

نگاهی به تاریخ تشکیل مجلس شورای اسلامی و راهیابی منتخبان مردمی به آن

مشهد ونخستین نمایندگانانش

سیده نغمه زینبی| هفتمین روز خرداد سال ۵۹ بود که ساختمان سنا* که تجربه زیادی در پذیرایی از مردان قانون گذار داشت، دوباره گشوده شد و این بار نمایندگان منتخب مردم انقلابی ایران از سراسر نقاط کشور به خیابان سپه(امام خمینی فعلی) در تهران آمدند تا قانون گذاران تازه ایران باشند. قرار بود ۲۷۰نماینده از شهرها و استان‌های مختلف که در انتخابات دو مرحله سال‌های۵۸ و ۵۹ بر سر کار آمدند، در آن روز دورهم جمع شوند و سوگند بخورند که برای آبادی کشور هرکاری از دستشان ساخته است، انجام دهند. آن‌ها در ۷خرداد۵۹در مجلسی که در اسناد و منابع مکتوب گاهی با نام «مجلس ملی، و گاهی، مجلس ملی جمهوری اسلامی، از آن یاد شده است، با امضای قسم‌نامه هم‌پیمان شدند و نخستین جلسه مجلس شورای اسلامی در این تاریخ پایان گرفت. آیت...مهدوی کنی که مسئولیت برگزاری این انتخابات بر دوش او و از نخستین سخنرانان این مجلس نیز بود، پشت تر بیون مجلس ایستاد و گفت: «تاکنون ۲۳۴نفر انتخاب شده‌اند(۹۷نفر در دور اول و ۱۳۷نفر در دور دوم) که اعتبارنامه ۲۱۳نفر صادر شده و ۲۱نفر به‌عللی صادر نشده است». از میان نمایندگان منتخب مردم مشهد نیز پنج نفر را به ساختمان سنا فرستادند. سؤالی که قرار است به آن پاسخ دهیم، این است که چگونه این پنج نفر از دیار امام‌هشتم^(۱) پایشان به پله‌های مجلس رسید و نخستین انتخابات مجلس شورای اسلامی در مشهد چگونه برگزار شد؟

* ساختمان سنا که در سال ۱۳۲۰ ساخته شده است، از سال ۵۹ تا بیست سال بعد مورد استفاده مجلس شورای اسلامی قرار می گیرد اما پس از این تاریخ به محل جلسات سالانه مجلس خبرگان رهبری تبدیل می شود. این ساختمان در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است



۱۲۴سفند۱۳۵۸؛انتخاب و اعتراض

شش‌اسنامه مشهدی‌ها پنجمین مهر انتخاباتی را در این روز بر خود می‌بیند. ۳۶۸حوزه ثابت و ۴۰حوزه سیار ویژه مردمی که برای رأی دادن لحظه‌شماری می‌کنند، آماده شده است. شانزده‌ساله‌ها در کنار مردم دیگر در صف می‌ایستند تا رأی بدهند. روزنامه خراسان در ۲۶سفند به نقل از خبرگزاری پارس، درباره این اتفاق می‌نویسد: «صدها هزار نفر از مردم مشهدوسایر شهرستان‌های خراسان، روز جمعه به‌طور فعال و گسترده به پای صندوق‌های رأی رفتند و به کاندیداهای مورد اعتماد خود برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی رأی دادند و در مشهد، مردم این شهر و نیز زائرانی که برای عتبه‌بوسی بارگاه قدسی حضرت رضا^(ع) به مشهد آمده‌اند، از نخستین ساعات بامداد روز جمعه در محل حوزه‌های اخذ رأی حضور یافتند و آرای خود را به صندوق‌های رأی‌گیری



۱۱۹ردیبهشت سال۱۳۵۹؛پایان دور دوم

نوبت به انتخاب دو نماینده دیگر مشهد می‌رسد. روزنامه‌ها می‌نویسند که مردم از نخستین ساعات بامداد برای شرکت در انتخابات دور دوم مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی و گزینش دو تن دیگر از نمایندگان خود به پای صندوق‌های رأی می‌روند، البته رقابتی که فقط بین چهار نفر است، کار شمارش آرا را راحت‌تر می‌کند و اعلام‌نتایج این دوره از انتخابات برخلاف بار نخست به ۴۸ساعت هم نمی‌کشد. ۲۱ردیبهشت، جراید نام دو نماینده دیگر را که به خانه ملت راه پیدا کرده‌اند، اعلام می‌کنند. در دور دوم، ۲۵۹هزارو ۷۶۱تعارفه رأی به صندوق انداخته می‌شود که سیدمحمدحسین خامنه‌ای با ۲۰۳هزارو ۴۹۵ رأی و حسین موسوی جهان‌آبادی خراسانی با ۹۹هزارو ۹ رأی بر کرسی نمایندگی می‌نشینند. همچنین ۱۷هزارو ۲۲۸نفر نام جواد فهیمده وجدانی و تعداد ۲۴هزارو ۵۸۵نفر، نام علی امینیان را در برگه رأی خود می‌نویسند که نتیجه‌اش بازماندن از مجلس است.

بگذارید پیش از شروع انتخابات از اوضاع کشور بگوییم؛ ایرانی که سال ۵۷ نظام سیاسی‌اش دگرگون شده و جمهوری اسلامی بر جای نظام شاهنشاهی نشسته است، حالا در سال ۵۸ با برگزاری پنج انتخابات، رگ‌وردار می‌شود. مردمی هم که در این یک سال، یک‌بار در همه‌پرسی جمهوری اسلامی شرکت می‌کنند، یک‌بار رئیس‌جمهور انتخاب می‌کنند، یک‌بار به‌خبرگان رهبری رأی می‌دهند و یک‌بار دیگر قانون اساسی کشور را به رأی می‌گذارند، اکنون باید برای خودشان نماینده انتخاب کنند. مملکت تازه دچار تحول شده است و هنوز خیلی از سازمان‌های دولتی سروشکل نگرفته‌اند. در مشهد هم مثل دیگر شهرها، گروه‌ها و احزاب مختلف از مجاهدین خلق گرفته تا پیروان خط امام، امید راهیابی به مجلس را دارند. هرازگاهی خبر درگیری میان گروه‌های مختلف می‌پیچد و بازار شایعات هم داغ است. فضای مذهب پیش از انتخابات، جو سنگینی را بر فضای اجتماعی شهر تحمیل کرده است. هنوز یک ماه از انتخاب رئیس‌جمهور نگذشته است که نوبت به انتخاب قانون‌گذاران می‌رسد و روزنامه‌ها پر شده است از تبلیغات نامزدهای مختلف. نگاهی به نام نامزدها نشان می‌دهد که همه گروه‌های سیاسی حضور دارند و تلاش می‌کنند نامزد مطلوب خودشان را بر صندلی قانون‌گذاری بنشانند. به‌طور مثال طرفداران طاهر احمدزاده(نخستین استاندار خراسان

۱۲۲سفند۱۳۵۸؛ شور انتخابات در شهر

پس از انقلاب) در آخرین تلاش‌های تبلیغاتی خود در یکی از جراید می‌نویسند: «(رأی ما) برادر طاهر احمدزاده، هم‌سنگر حضرت آیت‌ا... طالقانی، شاگرد مفسر بزرگ قرآن، استادمحمدتقی شریعتی، هم‌رزم و همفکر معلم شهید، دکترعلی شریعتی که ۳۵سال ابوذروار، پاک‌باخته در راه تحقق آرمان اصیل اسلامی به مبارزه سخت‌کوشی دست زده است، جمعی از فروشندگان فرش دستباف مشهد». در یکی دیگر از این تبلیغات به چاپ‌رسیده، در آخرین روز تبلیغات درباره مهندس جواد وجدانی چنین آمده است: «همشهریان عزیز! با شناخت کاملی که طی سالیان متمادی از آقای مهندس جواد وجدانی داریم که نام‌برده فردی متعهد و مسؤول وفادار به جمهوری اسلامی و معتقد به قانون اساسی و ولایت‌فقیه می‌باشد و همیشه حامی طبقه کارگر و محرومین جامعه بوده است، به‌ایشان رأی می‌دهیم؛ مهندسین، کارگران، کارمندان کارخانه قندآلکوه و گروهی از کشاورزان». در این روز همچنین خبر آشوب در نمایشگاه تبلیغاتی نامزدهای مجاهدین خلق در مشهد اعلام می‌شود که البته با دخالت شهربانی ختم به خیر می‌شود. همچنین علی اصغر پارسایی که ریاست کل دادگستری استان خراسان را برعهده دارد، به‌سمت رئیس بازرسی حوزه‌های انتخابات مجلس شورای ملی اسلامی در استان خراسان تعیین می‌شود و او، چند نفر از قاضیان و کارمندان دادگستری را به‌عنوان بازرس انتخاب می‌کند تا بر سلامت انتخابات نظارت کنند.



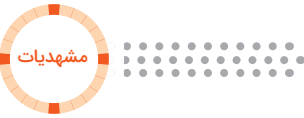
۱۱۷ردیبهشت سال۱۳۵۹؛ ممنوعیت تبلیغات

یک جمعه انتخاباتی دیگر در انتظار شهر مشهد است تا تکلیف دو نماینده باقی‌مانده شهر معلوم شود. استاندار خراسان تبلیغات نمایندگان را از صبح پنجشنبه، ممنوع اعلام می‌کند.



۷خرداد سال۱۳۵۹؛ سرآغاز خانه ملت

از چند روز پیش، مطبوعات نوید نخستین گردهمایی نمایندگان منتخب را در سالروز میلاد فرخنده حضرت علی^(ع)، هم‌زمان با پیام امام خمینی و سخنرانی رئیس‌جمهور می‌دهند. ساعت ۹صبح بیشتر آن‌هایی که انتخاب شده‌اند، پشت صندلی خود می‌نشینند تا نشست مجلس با حضور حداقل دوسوم نمایندگان آغاز شود. مسن‌ترین نماینده‌ها طبق قانون به‌صورت موقت، رئیس و نایب‌رئیس می‌شوند و با این حساب، دکتر یدا... سبحانی و مهدی بازگان بر این مسندها می‌نشینند تا هیئت‌رئسه دائمی انتخاب شود. شش تن از جوان‌ترین نماینده‌ها نیز منشی مجلس می‌شوند. صبح هفتمین روز خرداد سال ۵۹ متن پیام امام خمینی را حاج‌احمد خمینی قرائت می‌کند. پس از آن ابوالحسن بنی‌صدر به‌عنوان رئیس‌جمهور پشت تریبون می‌رود. خواندن سرود انقلاب را جوانان حسینیّه ارشاد برعهده می‌گیرند تا پس از قرائت پیام شورای نگهبان، نوبت به ادای سوگند برسد.



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت(قسمت هفتادوچهارم)

مشهدی که «خانیکوف»

در تابستان۱۳۳۸دید(بخش پنجم)



مرضیه ترابی

قصه ما و گزارش خانیکوف از مشهد ۱۶۴ سال قبل، از ارگ، فضای سبز، نرخ جمعیت زائران و مجاوران، کتابخانه آستان قدس و تزیینات حرم رضوی، رسید به مدارس شهر و جزئیاتی که خانیکوف آن‌ها را ثبت و ضبط کرده است. اما روایت او، به همین مختصر محدود نمی‌شود و دقت عمل وی درباره جزئیات، ما را وامی‌دارد که گزارش خانیکوف را درباره مشهد، با دقت و وسواس بیشتری مطالعه کنیم و درباره تاریخ و هویت شهرمان، اطلاعات کامل‌تر و حتی ناشنیده‌تری به‌دست آوریم.

- حکایت اجسادى که به مشهد حمل می‌شدند

یکی از موضوعاتی که خانیکوف در گزارش خود به آن توجه می‌کند، مسئله دفن اموات در حرم مطهر و قبرستان‌های اطراف آن است. می‌دانیم که از قدیم‌الایام، یعنی از روزگاری که مشهد شکل شهر به خودش گرفت، هر محله آن یک قبرستان اختصاصی داشت، اسم برخی از این قبرستان‌ها، هنوز هم در حافظه مشهدی‌های قدیمی وجود دارد، قبرستان‌هایی مانند «میرهاو»(یا میرها و ...)، «گل‌ختمی»،(که البته در بیرون شهر واقع بود)، «سرشور»، «نوغان» و... تا پیش از تأسیس بلده(شهرداری) در مشهد، کارکن‌ودفن بستگان وی انجام می‌دادند و باتوجه‌به محل زندگی او، قبرستان ویژه همان محل را برای دفن میت انتخاب می‌کردند. در مواقعی که متوفی بی‌کس‌وکار بود، معمولاً کار دفن او را افراد خیر تقبل می‌کردند تا از ثواب معنوی این کار بهره‌مند شوند. تنها جایی که در آن مقررات خاصی برای دفن اموات و همچنین پرداخت وجه بابت محل خاک‌سپاری وجود داشت، حرم مطهر و قبرستان‌های اطراف آن، به‌ویژه قبرستان مشهور قتلگاه بود که به یک روایت، قدمت آن به اوایل قرن ششم هجری می‌رسید، علت برقراری مقررات و دریافت وجه، اولاً مربوط به زمین محل دفن و موقوفه بودن آن برای آستان قدس و ثانیاً، کثرت امواتی بود که از راه‌های دور و نزدیک، به مشهد آورده می‌شدند تا در جوار بارگاه منور رضوی به خاک سپرده شوند. خانیکوف در گزارش خود به موضوع قبرستان قتلگاه و شیوه‌نامه دفن اموات در آن اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در شمال محله مقدس(منظور اماکن متبرکه حرم مطهر رضوی است) گورستان وسیعی به نام قتلگاه وجود دارد. زمین‌های آن که به نفع آستانه امام به فروش می‌رسد، یکی از درآمدهای عمده این سازمان را تشکیل می‌دهد؛ زیرا شمار اجسادى که از تمامی مناطق شیعی مذهب به مشهد حمل می‌شود، بسیار قابل توجه است. هر کاروانی که از دربند(منظور دربند قفقاز است)، هند، بغداد و نیز افغانستان به این شهر می‌رسد، با خود جنازه‌ای چند به‌همراه دارد. خانیکوف، قبرهای قبرستان قتلگاه را به «متواری السطوح‌های گلی» تشبیه می‌کند که به‌نوعی، یادآور به قبله بودن قبور در آرامگاه‌های مسلمانان است. قبرستان قتلگاه در طرح توسعه حریم حرم، در دهه ۱۳۱۰خورشیدی از میان رفت و تنها بخش شرقی آن در قالب باغ رضوان باقی‌ماند که این محل هم، در ادوار بعد به‌تدریج تخریب شد. از افراد برجسته دفن‌شده در این قبرستان، می‌توان به فضل‌بن حسن طبرسی، عالم بزرگ شیعه در قرن‌های پنجم و ششم هجری، اشاره کرد که سالیان درازی در مشهد و سبزوار ساکن بود. مرقد وی، بعد از تغییرات بافت شمالی حرم، با رعایت ظرایف مهندسی و فزایض شرعی، به یکاد فعلی آن در ورودی حرم مطهر رضوی(ورودی طبرسی) انتقال یافت.

- یادای از یک بنای تاریخی و جذاب

«برعمر تهاجمات بی‌شمار و انقلاب‌های خونینی که طی سال‌ها به‌کرات در مشهد رخ داده است، در این شهر افزون‌بر بناهای محله مقدس، چند ساختمان قدیمی دیگر، خارج از آن وجود دارد. در بازار قدیمی واقع در مرکز شهر، مسجدی است به نام مسجد شاه، در کنیبه سمت راست آن می‌توان این کلمات را تشخیص داد: اثر احمد، پسر شمس‌الدین محمد معمار تبریزی. در شهری چون مشهد که بنای متبرکی مانند حرم امام‌علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) [در آن ساخته شده است، انسان انتظار ندارد با بقاع متبرک دیگری روبه‌رو شود، با این‌همه، ایمان زائران موجب برپایی بنایی چند از این دست گردیده است». آنچه خواندید، فرازی از گزارش خانیکوف بود و مکانی که وی به آن اشاره می‌کند، مسجد شاه یا مسجد مفتاح‌ودتن است که امروز در قسمت انتهایی بازار فرش مشهد(شهید اندرزگوی ۱۳) قرار دارد. اصل بنا، تعمیر اساسی شده است و با کیفیت خوبی نگهداری می‌شود. اگر یادتان باشد، گفتیم که این بنا درحقیقت مسجد نیست، بلکه مقبره یکی از بزرگان دوره تیموری است که در عهد رونق فعالیت‌های عمرانی در مشهد ساخته شده است. درباره بانی بنا و اینکه چه کسی در آن دفن است، از دیرباز دیدگاه‌های زیادی وجود داشته است و ما سعی خواهیم کرد در یکی از قسمت‌های مشهدیات، به‌تفصیل درباره آن و همچنین تاریخچه بنای مقبره صحبت کنیم، اما درباره نام و نشان فرد مدفون در بنا یعنی امیر غیاث‌الدین ملک‌(یا ملک‌شاه) تقریباً تردیدی وجود ندارد، هرچند که در سرداب این مقبره، بیش از یک قبر دیده می‌شود.

درباره اینکه امیرغیاث‌الدین کیست و در چه زمانی می‌زیسته است، به‌دلیل تراکم وقایع آن دوره و دست‌به‌دست شدن مشهد بین جانشینان دودمان تیموری، ابهاماتی وجود دارد. کاشی‌های سبز داخل بنای مقبره، در نوع خود بی‌نظیرند و شاید مثل و مانند آن‌ها، از نظر ساخت و رنگ، فقط در همین مکان پیدا شود. از نکات جذابی که می‌توان درباره مقبره غیاث‌الدین ملک گفت، این است که در کنیبه‌های داخل بنا، از دعاهایی استفاده شده است که پیشینه شیعی دارند، مناجات منظوم امیرالمؤمنین^(ع) با مطلع «لَکَ الْحَقُّ یا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَالْعُلَى»، یکی از این ادعیه است که در کنیبه‌های مقبره به‌چشم می‌خورد. اگر تاریخ ساخت بنا را، چنان‌که از کنیبه‌های داخل آن فهمیده می‌شود، حدود سال ۸۲۰قمری بدانیم، می‌توان گفت تفکرات شیعی درمیان دولتمردان تیموری، از عهد شاهرخ به این‌سو، با اقبال و توجه خوبی روبه‌رو بوده و بلکه اندیشه شیعی، درمیان مردم نیز، رواجی گسترده داشته است، موضوعی که می‌تواند مبنایی برای یک مطالعه تاریخی و پژوهش در سرگذشت هویت شهر مشهد باشد.

با سیاس از:

کاظم

جهانگیری

کلاته و علی

سلیمانی

کار نشانان

بخش اسناد

و مطبوعات

مرکز اسناد

آستان قدس رضوی



تصویر از تبلیغات کاندیداهای نخستین مجلس شورای اسلامی مشهد در روزنامه خراسان / ۱۳۵۸

دو تصویر از انتخابات مجلس شورای اسلامی در تهران / ۱۳۵۸

انتخابات مجلس شورای اسلامی در تهران / ۱۳۵۸